

آینه

انتقاد

قانون اساسی، نیازمند بازنگری

● **قاسم میرزایی** نکو: یکی از مشکلات امروز کشور، عدم نظارت نهادهای انتخابی بر نهادهای انتصابی است و حل این مشکل نیازمند لایحه از سوی دولت یا طرح از سوی نمایندگان مجلس است. برای حل این مشکل نمایندگان مجلس اقداماتی را انجام داده‌اند اما اینکه خروجی این موضوع چگونه باشد، مشخص نیست. اختیارات نمایندگان در برخی موارد محدود است و به مثال نمایندگان نمی‌توانند تصویب کنند که یک مجموعه به دولت واگذار نشود؛ این مهم دستور مقام بالاتری را می‌طلبد. قانون اساسی ما نیازمند بازنگری است و رئیس جمهور این موضوع را درک کرده است به همین دلیل در سخنرانی‌های خود به موضوع همه‌پرسی پرداخته است.

ایران

دانشجویان ستاره‌دار به دانشگاه‌ها بازگشتند

در گفت‌وگو با **منصور غلامی، وزیر علوم**، ستاره‌دارشدن دانشجویان سابقه طولانی دارد. درست ایام بعد از پیروزی انقلاب بود که مصوباتی تصویب شد تا برای ورود به دانشگاه دانشجویان را گزینش کنند. ... امسال همه کسانی که محرومیت داشتند وارد [دانشگاه] شدند. ... ما حتی برخی از دانشجویان محروم از تحصیل را وارد دانشگاه کردیم و بیشتر مشکلات دانشجویان ستاره‌دار به تلاش رئیس‌جمهوری و بررسی آیین‌نامه‌ها و ضوابط موجود لح‌وصل شده است. ... بعد از اتفاقاتی که در دی‌ماه اتفاق افتاد تعدادی از دانشجویان در فضای تجمعات حضور داشتند و به هر دلیلی بازداشت شده‌اند البته برخی هم در کنار دانشگاه تهران بازداشت شدند ولی هیچ دانشجویی در داخل دانشگاه‌ها بازداشت نشده چون نهادهای امنیتی انتظامی اجازه ورود به دانشگاه‌ها را ندارند. تلاش همکاران در سطح تهران و شهرستان‌ها منجر به آزادی همه دانشجویان شده است. ... در اینستاکرام هستم آنجا گروهی به بنده اعلام کردند که یک دانشجو هنوز بازداشت‌است به همکاران توصیه کردم که پیگیری کنند.

دولت ایران

چتر سبز جاسوسی

در ایمن میان طی روزهای اخیر که ماجرای کشف شبکه جاسوسی و نیز خودکشی عجیب یکی از مهره‌های اصلی این شبکه در تورات زندان بر سر زبان‌ها افتاده، یک نام از میان مسئولان سابق و فعلی کشور نیز مطرح شده و آن «معصومه ابتکار» است. بر اساس گزارش‌های رسیده، نقش ابتکار در ایجاد زمینه فعالیت برای مؤسسه موسوم به حیات وحش میراث پارسیان یک نقش کلیدی بوده است.

کیم‌تان

شغل: جاسوس!

در هیچ نظام مستقر، اجازه خدشه به ارکان حاکمیتی به این شکل داده نمی‌شود... دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور باید با رصد مخالفان... به بررسی این مسئله بپردازند که آیا ارتباط معناداری بین فرد دستگیرشده با جریان مدافع او و هم‌نوابی عناصر داخلی با عناصر خارجی که وابستگی آنها به سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی دشمن محرز است، وجود دارد یا خیر. ... در موضوع خودکشی فردی با وجهه مناسب در کشور که علاوه‌بر کسوت استاد دانشگاهی در یک موضوع ملی چون حفظ محیط‌زیست نیز فعالیت داشته است و به دلیل همکاری با دشمن در موضوعی حساس و ملی دستگیر شده بود، می‌توان این دو طیف ساده‌انکار و مغرض را شناسایی کرد؛ آقایی که معمولاً استخدام‌های ضعیفی برای مسائل مختلف ارائه می‌نماید در جاسوس‌بودن استادی که خودکشی کرده تشکیک می‌کند و سپس با استدلالی ضعیف‌تر جای مجرم و متهم را عوض می‌کند. او به این مسئله نمی‌پردازد که چراست اقدام دستگیرشده چقدر سنگین بوده که برای فرار از تبعات و پیامد آن، خودکشی کرده است.

بررسی

بررسی سفر رئیس‌جمهوری به دهلی نو در گفت‌وگو با ابراهیم رحیم‌پور، معاون سابق آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه

هندی‌ها بیشتر فکر می‌کنند تا اقدام

ایران علاقه مند به همکاری با روسیه، هند و چین است



عکس: ر.نوراف رشتنی، شرق

کارهایی که در گذشته انجام شد، تأسیس پالایشگاه مدرّس بود که برمیای ویژگی‌های نفت ایران ساخته شد و علاوه بر ارزش سرمایه‌گذاری‌ای که داشت، منجر به این شد که آن پالایشگاه، نفت ایران را مصرف کند. از طرفی در سنگ‌آهن جنوب هند نیز سرمایه‌گذاری شد که سنگ‌آهن از آنجا برای کارخانه ذوب‌آهن ایران حمل می‌شد.

✎ رابطه دو کشور در شرایط کنونی چگونه است؟
وضعیت موجود ما با هندی‌ها، فرازنشیب‌هایی دارد. دو موضوع معمولاً بر روابط ما مقداری سایه می‌انداخته است؛ یکی مسئله کشمیر بود و دیگری مسائل مسلمانان هند. اینها گاهی بر روابط دو کشور تأثیراتی می‌گذاشت. می‌توان گفت خوشبختانه در دوره آقای مودی، نخست‌وزیر جدید، هندی‌ها خوب عمل کردند و این دو موضوع مشکلی در روابط ما

به وجود نیاورد و از این جهت می‌توان گفت اعتمادسازی متقابلی صورت گرفته است. آقای مودی شخصیتی مذهبی، فرهنگی و سیاسی بودند و تبدیل به یک چهره اقتصادی شدند؛ از این جهت در دوره آقای مودی آن رشد اقتصادی که از دوره قبل از دولت ایشان شروع شد، نسبتاً موفق بود و هند رشد اقتصادی مستمری دارد. با توجه به سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم این شرایط مورد نیاز و

علاقه جمهوری اسلامی ایران بوده است. با توجه به سفر پیشین آقای مودی به تهران و سفر اخیر آقای روحانی به هندوستان، گرایش‌های ایران در همکاری با هند بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی متمرکز شده و دو دولت وارد همین فضا شدند. در واقع می‌توان گفت بعد از برجام، مذاکرات مناسب و خوبی را با هندوستان شروع کرده‌ایم؛ ولی شاید سرعت این مذاکرات زیاد نبوده است. در سفر اخیر آقای روحانی به هند هم بر همان مبنا موافقت‌نامه‌ها و یادداشت تفاهم‌های خوبی امضا شده که اگر تیتز این موافقت‌نامه‌ها را نگاه کنید، گرایش‌های اقتصادی آنها خیلی بیشتر بود و تیمی که از اتاق بازرگانی و بخش خصوصی همراه خود بردند، باز هم نوید همین مسیر را می‌دهد.

✎ بله؛ همان‌طور که به درستی شرح دادید، روابط اقتصادی برای دو کشور اهمیت زیادی دارد؛ ما از منظر سیاسی دو کشور چه جایگاهی برای هم داریم؟
به‌ویژه رابطه با ایران برای هندوستان چقدر اهمیت دارد؟ هندوستانی که روابط سیاسی متفاوتی دارد، چه با واشنگتن، اسرائیل حتی فلسطین، جنس رابطه‌اش با پاکستان و بحران‌هایی که در منطقه وجود دارد یا حتی رابطه با عربستان، در این فضا ایران کجای ذهن سیاسی هندی‌هاست؟

هند کشوری است که به انرژی نیاز دارد و این برایش اولویت دارد و ما نیز با توجه به وضعیت گذشته، حال و آینده یک منبع مناسب تأمین انرژی هستیم. هند دومین واردکننده نفت از ایران است. در بحث خط لوله گاز نیز از منظر هندی‌ها، مشکل عبور از پاکستان مانع کشیده‌شدن این خط شد و الان صحبت‌هایی شده تا این خط را از زیر دریا بکشند. نیاز دوم هندی‌ها بحث ترانزیت است. باز هم به دلیل رقابت‌های آنها با پاکستان و چین و اینکه چین متکی

به یک خط ترانزیتی به نام جاده ابریشم است، هندی‌ها علاقه‌ای به همکاری زیادی با این کشورها ندارند. نگاه آنها به سمت ایران است؛ حتی عربستان چنین نقشی را نمی‌تواند داشته باشد؛ چون درحال‌حاضر هندی‌ها از طریق دریا و کانال سوئز کالاهای خود را به اروپا و روسیه می‌فرستند. حجم بسیار زیادی از مسیر دریایی این کانال به دو قسمت اروپا و روسیه اگر از مسیر چابهار و ایران برود، هزینه‌های هند و مدت‌زمان انتقال آن نصف می‌شود؛ بنابراین انرژی و ترانزیت دو مقوله مهم برای هند است. در تجارت نیز هندی‌ها روبه‌روز استانداردهای خود را مناسب‌تر می‌کنند. برای ما نیز یک بازار یک‌میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفری بسیار جذاب و بزرگ است. همان‌طور که اشاره کردید، هندی‌ها نسبت به قبل که غیرمتعهدتر بودند، تنوع بیشتری در روابطشان پیدا کرده‌اند و درحال‌حاضر با همه کار می‌کنند. حتی گرایش آنها به آمریکا نسبت به روسیه بیشتر شده درحال‌حاضر تنوع سیاست‌های خارجی هند گسترده‌تر شده است. به‌هرحال ما هم متوجه فعل و انفعالات این کشور هستیم و تغییرات در دنیا هستیم و درعین‌حال به قول خود هندی‌ها «فیل مرده و زنده‌اش، هزار دلار قیمت دارد». هندوستان با هر شکلی، قیمتی دارد که قیمت بالایی است. هندوستان یک قدرت هسته‌ای است و پتانسیل بالایی دارد و چیزی شبیه عضو شورای امنیت است. به نظر می‌رسد هند شریک خوبی است

✎ ما هم متوجه فعل و انفعالات و تغییرات در دنیا هستیم و درعین‌حال به قول خود هندی‌ها «فیل مرده و زنده‌اش، هزار دلار قیمت دارد». هندوستان با هر شکلی، قیمتی دارد که قیمت بالایی است. هندوستان یک قدرت هسته‌ای است و پتانسیل بالایی دارد و چیزی شبیه عضو شورای امنیت است. به نظر می‌رسد هند شریک خوبی است

علاقه جمهوری اسلامی ایران بوده است. با توجه به سفر پیشین آقای مودی به تهران و سفر اخیر آقای روحانی به هندوستان، گرایش‌های ایران در همکاری با هند بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی متمرکز شده و دو دولت وارد همین فضا شدند. در واقع می‌توان گفت بعد از برجام، مذاکرات مناسب و خوبی را با هندوستان شروع کرده‌ایم؛ ولی شاید سرعت این مذاکرات زیاد نبوده است. در سفر اخیر آقای روحانی به هند هم بر همان مبنا موافقت‌نامه‌ها و یادداشت تفاهم‌های خوبی امضا شده که اگر تیتز این موافقت‌نامه‌ها را نگاه کنید، گرایش‌های اقتصادی آنها خیلی بیشتر بود و تیمی که از اتاق بازرگانی و بخش خصوصی همراه خود بردند، باز هم نوید همین مسیر را می‌دهد.

✎ بله؛ همان‌طور که به درستی شرح دادید، روابط اقتصادی برای دو کشور اهمیت زیادی دارد؛ ما از منظر سیاسی دو کشور چه جایگاهی برای هم داریم؟
به‌ویژه رابطه با ایران برای هندوستان چقدر اهمیت دارد؟ هندوستانی که روابط سیاسی متفاوتی دارد، چه با واشنگتن، اسرائیل حتی فلسطین، جنس رابطه‌اش با پاکستان و بحران‌هایی که در منطقه وجود دارد یا حتی رابطه با عربستان، در این فضا ایران کجای ذهن سیاسی هندی‌هاست؟

هند کشوری است که به انرژی نیاز دارد و این برایش اولویت دارد و ما نیز با توجه به وضعیت گذشته، حال و آینده یک منبع مناسب تأمین انرژی هستیم. هند دومین واردکننده نفت از ایران است. در بحث خط لوله گاز نیز از منظر هندی‌ها، مشکل عبور از پاکستان مانع کشیده‌شدن این خط شد و الان صحبت‌هایی شده تا این خط را از زیر دریا بکشند. نیاز دوم هندی‌ها بحث ترانزیت است. باز هم به دلیل رقابت‌های آنها با پاکستان و چین و اینکه چین متکی

✎ یکی از بحث‌هایی که در این سال‌ها مورد سؤال بوده، این است که آیا ما پول بلوکه‌شده‌ای در هند داریم یا نه؟ این روزها گفتند که هیچ پول بلوکه‌شده‌ای وجود نداشته. احتمالاً در دوره مسئولیت شما در معاونت آسیا و اقیانوسیه، این مسئله حل‌وفصل شده است. در این‌باره توضیح دهید که مقدار این پول چقدر بود و چه اتفاقی افتاد؟ این اتفاق بعد از برجام رخ داد. درست است؟

به‌هرحال ما مقداری پول در دوران تحریم در هند داشتیم که بنا بر قراری که گذاشته بودیم، ۴۵ درصد این پول را به روییه از هند خرید کنیم و ۵۵ درصد را بتوانیم از کشورهای دیگر خرید کنیم. البته نه با روییه، بلکه با پول‌های دیگر؛ اما پرداخت آن را هندی‌ها انجام دهند. این در دوران تحریم‌ها بود. پس از برجام پول ما که رقم آن پنج یا شش میلیارد دلار بود، با خیریه به ایران داده شد که قاعدتاً باید به دلار به ایران پرداخت می‌شد.

✎ در دولت احمدی‌نژاد مجبور شدیم پولمان را به روییه دریافت کنیم با به روییه خرید کنیم.

بررسی سفر رئیس‌جمهوری به دهلی نو در گفت‌وگو با ابراهیم رحیم‌پور، معاون سابق آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه

شما به‌عنوان کسی که سال‌ها در این زمینه فعال بودید، این تصمیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این تصمیم به نفع ما بوده و توانستیم کار خاصی انجام دهیم؟

بالاخره وقتی تحریم می‌شویم عواقبی هم دارد. وقتی ما تحریم بودیم و دیگر کشورها به ما کار نمی‌کردی هند و چین با ما همکاری می‌کردند و ما با هر دو چنین مشکلاتی را داشتیم.

✎ سؤال من درباره دلایل اتخاذ این تصمیم نیست؛ سؤال من این است آیا هنگامی که شما معاونت آسیا را بر عهده گرفتید با سندها و گزارش‌هایی روبه‌رو شدید از کالاهایی که ما مجبور شدیم به روییه خریداری کنیم، درحالی‌که شاید در داخل کشور نیاز چندان به آنها نداشتیم، یا اینکه کالاهایی که از هند خریداری کردیم بر اساس نیازهای واقعی ما بوده است؟

به‌هرحال ما باید کالاهایی را از هند خریداری می‌کردیم یا اینکه آن پول را در هند باقی می‌گذاشتیم و چیزی نمی‌خریدیم. فکر نمی‌کنم الان زمان این باشد که بررسی کنیم به روییه برنج و فلفل و زردچوبه خریدیم یا لوله؛ حداقل مسئله این است که ما به برنج نیاز داشتیم. واقعیت این است که وقتی در وضعیت تحریم بودیم باید با روییه هند یا یوان چین معامله می‌کردیم. از نظر من که ورود به تحریم و درگیرکردن مملکت در چنین شرایطی گرفتاری اصلی است، ولی وقتی تحریم شدیم، اگر برنج هم نمی‌آوردیم چه کار می‌توانستیم بکنیم؟ حتی اگر در همین دولت چنین تحریم‌هایی وضع می‌شد، مجبور می‌شدیم کارهای مشابه انجام دهیم.

✎ یکی از توافقاتی که پیش از این سفر انجام شده، موضوع سرمایه‌گذاری مستقیم هند در ایران با روییه است؛ مزایا و معایب این نوع سرمایه‌گذاری چیست؟ به‌لحاظ بانکی و مالی و مشکلاتی که هنوز در این زمینه داریم، این نوع سرمایه‌گذاری چطور تحلیل می‌شود؟

ما با روسیه هم همین وضعیت را داریم؛ برای مثال یک‌سری پروژه در جنوب و بوشهر در دست روسیه است. آنها باید بایند و این پالایشگاه را برای کشور ما بسازند و اینکه با دلار یا روبل روسیه این‌کار را انجام دهند. دیگر به ما ربط زیادی ندارد. او باید پالایشگاه را بسازد یا با جنس خودش یا با جنس‌هایی که از خارج می‌خرد یا با هر دو، این کار را انجام می‌دهد. ما درحال‌حاضر دو پروژه داریم؛ یکی در چابهار است و مقداری هم جنس از بیرون هند خریده است. در بحث راه‌آهن چابهار به زاهدان هم هندی‌ها علاقه‌مند شده‌اند به آن ورود کنند. این همکاری با روییه باشد یا دلار دیگر تفاوت زیادی ندارد، چراکه آن کشور براساس استاندارد که ما می‌خواهیم کار را برعهده می‌گیرد.

✎ باتوجه به تفاهم‌هایی که در سفر آقای روحانی به هند انجام شده دورنمای این رابطه را چگونه می‌بینید؟ آیا رابطه ایران و هند سرعت بیشتری پیدا می‌کند یا با همین سرعت پیش می‌رود؟ گویا هندی‌ها در حوزه روابط بین‌الملل خیلی کشور محافظه‌کاری محسوب می‌شوند.

بله هندی‌ها بیشتر فکر می‌کنند تا اقدام کنند. به عبارتی بعد از مدت زیادی بررسی و فکر وارد کاری می‌شوند و به‌سرعت آنها کمی کند است، اما وقتی متعهد می‌شوند اقدام می‌کنند. البته این مسئله بستگی به نیازها و توان مالی متقابل دارد. هندوستان در زمینه انرژی و ترانزیت و البته در یک‌سری زمینه‌های تجاری، علاقه دارد با ایران همکاری خود را افزایش دهد. به نظر می‌رسد هند شریک خوبی است. درحال‌حاضر در سیاست خارجی و اقتصاد ما علاقه داریم که با هندوستان، روسیه و چین کار بیشتری داشته باشیم. حالا اینکه کشورها غربی و اروپا تا کجای کار با ما هستند، نوساناتی داشته و هنوز هم دارد، اما ما آنها را هیچ موقع حذف نمی‌کنیم. در مجموع ما رجوع بیشتری به این سه قدرت داریم. با توجه به جمعیت و رشد اقتصادی خوب و توان اقتصادی‌ای که هند دارد علاقه‌مند شده‌اند که در ایران سرمایه‌گذاری کنند و ما هم طبقه خیر مقدم می‌گوییم. به‌عصره این نگاه، باید درستی است و باید با صبر و حوصله این مسیر را برای دوره بعد از تحریم طراحی کنیم. ما باید با کشورهایی که خریدار نفت ما هستند – چین اول است و هند دوم- همکاری‌های بیشتری داشته باشیم.

✎ احیاناً اگر ترامپ در ادامه مسیر برجام خلی ایجاد کند، آیا در رابطه ما با هند و کشورهای آسیای غربی هم تغییراتی ایجاد خواهد شد؟
ما که در رابطه‌مان تغییری ایجاد نمی‌کنیم، بستگی به طرف‌ها دارد که چقدر تحت نفوذ آمریکا باشند. ما چین، هند و روسیه را زیر بلیت آمریکا نمی‌دانیم، اما به‌لحاظ اقتصادی وابستگی‌های متقابلی با آمریکایی‌ها دارند، به‌ویژه چین و هند. در عمل هم اکنون آمریکایی‌ها به برجام اشاره نمی‌کنند و تاجایی‌که بتوانند اذیت می‌کنند. سیاست ما، حرکت با حذف آمریکاست. طبیعتاً ما این مسیر را داریم. الان دنیا با آمریکا علیه ما نیست. برجام هم یک امر سمبلیک است که تأثیرات مثبت و منفی خود را داشته و من نمی‌توانم خیلی دقیق بگویم که اگر آقای ترامپ دلش نخواهد و برجام را امضا نکند چه اتفاقی خواهد افتاد. سیاست‌های ما با حذف آقای ترامپ و آمریکا جلو می‌رود.

ادامه از صفحه اول

در ستایش ناامیدی

اما آیا تصویر واقعی است؟ نقطه اشتراک این‌متن‌ها و بیان‌ها چیست؟ چرا تا این حد به این‌متن‌ها توجه می‌شود؟ چرا جامعه خود به شیوع آن دامن می‌زند؟ چرا در فضای عمومی - از مجازی تا واقعی- این قبیل متن‌های ملامتگر و شرمسارانه، شیوع پیدا می‌کنند؟ چرا در دانشگاه، این قبیل آثار ضدجامعه‌شناختی در حال شیوع‌یافتن هستند؟

ابلق

این تصاویر واقعی نیست، حداقل «تمام» واقعیت نیست. نباید یک بار دیگر متن تلگرامی را به یاد بیاوریم؛ در تمامی موقعیت‌هایی که نویسنده تصویر می‌کند، حرکت‌های بسیار مثبتی هم از ایرانیان دیده شده است: در همان زلزله، طبق آمارهای رسمی، حداقل یک‌سوم از تمامی کانکس‌های اهدایی، نه از سوی دولت که از سوی مردم به شکل داوطلبانه اهدا شده است. سیل کمک‌های مردمی که خود با هزار و یک مشکل اقتصادی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، جایی در این تصویر ندارد. برخورد‌های انسانی مردم در جریان بحران ناشی از بارش برف، به هیچ انگاشته شده است. فداکاری چشمگیر آتش‌نشانان در پلاسکو و ده‌ها واقعه دیگر، فعالیت‌های خیریه، سمن‌های روبه‌گسترش، قرض‌الحسنه‌های خانوادگی جاقفاده و خودبیشاد، کانال‌های تلگرامی جذب کمک‌های مالی برای طرشدگان و هزاره‌زار رخداد روشن و ستایش‌برانگیز همان ایرانیان در همان زمان و همان واقعه، به هیچ انگاشته می‌شود. این تصویر، روشنی ندارد. در راتر دانشگاه‌های روبه‌گسترش خلق‌وخومحور، با رویکردی «ضداجماعی» - و نه غیراخلاقی - ما با نگاهی ذات‌گرایانه روبه‌رویم؛ ایرانی و خلق‌وخوهایش. در مباحث‌خوهای که گرچه نویسندگان شاید بپذیرند که محصول زمان و مکان و ساختارهای اجتماعی است، اما چنان قوام‌یافته و در خلا طرح می‌شوند که گویی بخشی از «ذات» ایرانی است. نگاهی جداز ساختارهای اجتماعی وغالباً تحت تأثیر نگاه یک «دیگری» که اغلب چشم‌آبی و موبور یا چشم‌پادامی است. رویکردی که به‌صورتی غریب، خواسته و ناخواسته، گفته و ناگفته، بیان دانشگاهی همان تصویر شرمسار و غیرواقعی اجتماعی است. جالب‌تر، به‌ویژه در سطح جامعه، آن است که مروجان چنین نگاهی، خود‌کمر به‌صورتی عملی، در پی کشمگری و خودبیشادی تغییر آن سویه‌سایه هستند که روایت می‌کنند؛ در میان کشمگران اجتماعی، با تمامی هزینه‌ها، کمتر می‌توان این سطح از نگاه ملامت‌گرانه، پشیمان و شرمسار را مشاهده کرد. آنان که در وسط میدان تغییردان ایستاده‌اند، امیدوارتر به نظر می‌رسند. نتیجه نهایی کنار هم قرارگرفتن تمامی تکه‌های این پازل، چه در سطح جامعه، چه در میان طبقه متوسط و چاه، در میان سازندگان ژانر «خلق‌وخو»محور، یک پیامد دارد: ستایش ناامیدی، طبیعتاً با تکرار مکرر سیاهی، روشنا به حاشیه می‌رود. ما نه سیاهی، نه سپید. آن دیگری موهوم «فرنگ»ی هم در واقعیت، تصویری چنین دارد: به نیک و بد عجین. امید، از خلال دیدن سپیدی‌ها در کنار قمم سیاهی‌ها، زاده می‌شود. جوانه امید، نه در سیاهی ملامتگری محض یا می‌گیرد و نه در توهم خوب‌بودن محض. امید، فرزند واقع‌بینی و آرمان‌گرایی است. ستایشگر ناامیدی نباشیم.

«نه حق حقم، نه ناقح نه بدم، نه خوب مطلق سیه و سپیدم؛ ابلق!» که به نیک و بد عجینم.»

(از حسین مژری)

شخصیتی که از نو باید شناخت

از این سخن می‌توان دریافت که قرآن کریم، طرف توجه آن بانوی بلندمرتبه بوده و برهانش را کافی و راهگشای بشر می‌داند. چنان پرشمار به قرآن مراجعه داشت که او را «ام الکتاب» خوانده‌اند. کسانی که در بخش مرثیه‌خوانی آن حضرت فعال هستند، کمی به این اصل عنایت کنند که ایشان مادام منهنشین کلام الله بود و روش زندگی را از آن برداشت می‌کرد؛ تاجایی‌که مشکلاتش را به آن عرضه می‌داشت تا به راه‌حل درست برسد. ازاین‌رو انصاف و مروت است که در یادکردن آن بانو، با ارائه آیاتی از قرآن در مجالس محافل عزاء، خواست قلبی آن حضرت برآورده شود. در میان اشاراتی که در کتب اهل سنت آمده، به این بانوی توانمند، «ام العلوم» هم گفته‌اند که سبب کنجکاوی بیروانش می‌شود تا بداند در چه مسندها ورودید‌هایی آن حضرت به این لقب شناخته‌شده است و چه علمی در آن عصر مدنظر بوده است؟ شاید یادآوری این القاب، زمینه‌ای فراهم آورد که به‌جای بستن برخی مطالب به آن شخصیت تام، فضیلت‌پژوی آن بزرگ‌بانو نقل مجالس شود تا راه برای الگوبرداری گشوده شود. «ام‌الفضایل» لقب دیگر ایشان است که ذهن آدمی را به‌سوی افق روشنی می‌برد که در مطالعه حال ایشان، گرایش به فضایل انسانی از یاد نرود. نکته آخر اینکه اگر جریان تفکر به هر دلیلی در این زمانه به تعطیلی کشیده شود، ذهن‌های جوینده ابتشور دیگری می‌یابند که چسبا تشنگان را به گزراه و سراب بکشاند! اکنون بیش از هر زمان دیگری به الگوی‌هایی شبیه آن بانوی بافضیلت نیاز است و این مسئولیت، بیشتر متوجه اهل علم و مبلغانی است که مجالس بزرگداشت برپا می‌کنند. جان کلام اینکه بدون یافتن سیره واقعی آن بانوی دوران‌ساز، هر چیزی که بخواهد جای آن شخصیت واقعی را پر کند، جفا در حق ایشان و شیعیان راه‌جویش محسوب می‌شود و چرا فقط به دین‌داران بسنده شود که بی‌تعارف باید گفت فقط یک تحقیق ژرف در القاب آن حضرت، می‌تواند دریچهای از نور به جهان امروز باز کند تا فراتر از مرزهای آیینی، نسل بی‌شماری را مجذوب کند.